

مجاهدین خلق و مسئله تروریسم

اگر به موضوع خارج ساختن نام سازمان مجاهدین خلق از فهرست سازمان ها و گروه های تروریستی توسط اتحادیه اروپا از این منظر نگاه کنیم که گویا نیروهای تصمیم گیرنده ای در سطح بین المللی، با توجه به تحولات آینده در ایران، برای این سازمان به عنوان یک نیروی بالقوه وزن و نقشی را متصور شده اند، لازم است که به این تشکیلات از زاویه ای متفاوت نیز نگریده شود.

اگر در این گزاره که « هر مسلمانی بالقوه یک تروریست است.» ذره ای حقیقت وجود داشته باشد، آنوقت می توان به این نتیجه رسید که « هر مسلمانی که اسلحه بدست می گیرد، بالفعل یک تروریست است.» اما در عین حال از این مقدمه نمی توان چنین نتیجه گرفت که اگر سازمانی که دارای ایدئولوژی اسلامی است، خلع سلاح شود و یا بنا به ملاحظات داوطلبانه اسلحه را زمین گذاشته و ظاهراً تصمیم گرفته باشد که به صورت یک حزب و سازمان سیاسی فعالیت کند، الزاماً و ضرورتاً ماهیت تروریستی اش تغییر کرده است.

فعالیت سیاسی هر گروه و حزب و سازمان و نیرویی، دقیقاً به منظور کسب قدرت سیاسی می باشد و هیچ معنی دیگری ندارد. سازمان مجاهدین خلق دارای ایدئولوژی اسلامی است و پر واضح است که پس از رسیدن به قدرت، بالتبع به اسلحه، به توان نظامی ارتش و نیروهای انتظامی و امنیتی دست یافته و حکومت و دولتی را پایه خواهد گذارد که بی شباهت به جمهوری اسلامی نخواهد بود. تنها عاملی که سیستم و رژیم را فاشیستی، توتالیتر و تبعیض گزار و تروریستی می سازد، پای بندی و ایمان به روایت های کلان و ایمان به اصول و باید و نباید های مقدس و بی چون و چرای ایدئولوژیک است.

شاید کمتر نکته ای در باورها و اندیشه ها، در عملکردها و در استراتژی ها و روش های مبارزاتی و در مجموع کمتر نکته ای در کارنامه سیاسی سازمان مجاهدین خلق یافته شود که مورد انتقاد جدی بسیاری از ایرانیان نباشد. اما از این میان آنچه برای نگارنده این یادداشت اهمیت دارد، پرداختن به خصلت و مرام ایدئولوژیک یک سازمان سیاسی است که به خودی خود برای آزادی خواهان به اندازه کافی هشداردهنده است.

سازمان مجاهدین خلق تا زمانی که « مجاهد» باشد و با پرچم اسلام حرکت کند، هیچ تغییری در ماهیت تروریستی اش روی نخواهد داد. عنوان « مجاهد» یادآور مجاهدین صدر اسلام است که به قتل فی سبیل الله و غارت مقدس شناخته شده اند و از فضل و اجر عظیمی نسبت به قاعدین برخوردار بوده اند. اصطلاح « مجاهد» به هیچ وجه یک لغت ساده به معنی جهدکننده و تلاشگر در هر زمینه و موضوعی نبوده و نیست. بلکه در فرهنگ اسلامی مجاهد عنوان جهادکننده در راه الله و دقیقاً به مؤمنی گفته می شود که طبق وظیفه شرعی و دینی و اسلامی خود به جهاد با کفار و قتل کافران می پردازد و هیچ مفهوم و معنی دیگری ندارد. مجاهد صفت فردی است که مخالفانش را از میان بر می دارد. مانند علی و عمر و سعد این ابی وقاص و قتیبه این مسلم و سایر وحوش بیابانگرد.

و همچنین است حجاب اسلامی خانم مریم رجوی رئیس جمهور خودخوانده که نه به مثابه دم خروس، بلکه به طور آشکارا پرچم و نماد و نشان ماهیت اسلامی و ایدئولوژیک این سازمان است که توسط ایشان به این سو و آنسو کشیده می شود و دائماً برافراشته و در اهتزاز است.

ما ایرانیان تصمیم گرفته ایم که علی رغم واقعیت های تاریخی و پیشینه مملو از خبط و خطای خود، منبعد هرگز از یک سوراخ دوبار گزیده نشویم. به عنوان مثال، در صحنه سیاسی امروز ایران، باند خاتمی چی ها و اصلاح طلبان و دوم خردادی های حکومت سنگسار اسلامی هرگز نخواهند توانست باری دیگر ملت ایران را بفریبند.

به همانگونه که دار و دسته نهضت آزادی و امثال شیخ ابراهیم یزدی و عبدالعلی بازرگان و ملی- مذهبی ها و روشنفکران و نواندیشان دینی با وجود اینکه از پدافند همه جانبه استعمار برخوردارند اما نزد ملت ایران دستشان رو شده و حنایشان رنگی ندارد. شما می توانید نفرت ملت ایران را از اسلامخواهی در همهء مظاهرش، در بی اعتنایی نسبت به سرنوشت آخوندی به نام بروجردی که مبعوض رژیم اسلامی واقع شده و از مزخرفی به اسم اسلام سنتی صحبت می کند به خوبی دریابید. پیش از این نیز استعمارگران اروپایی خانم شیرین عبادی، یک « زن مسلمان» را نوبل مالی کرده و توی پاچه ما کرده اند که از آن پس هوا دستمان آمده است.

ما خواهان جامعه ای غیردینی و مدرن و نظامی سکولار و دموکراتیک هستیم که تمامی آزادی ها و حقوق مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر را محترم بشمارد. ما به هیچ اسلامبار و اسلام پیشه و اسلام فروشی نه فقط اعتماد نداریم، بلکه به تجربه و تحقیق، عمیقاً و با هزینه بسیار گران دریافته ایم که اسلاميون به محض کسب اندکی قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی، پیش از هر چیز اسلامشان را به دیگران حقه خواهند کرد و با تجاوز به حقوق و آزادی های دیگران، جامعه ای پر از نابرابری و تبعیض متشکل از خودی ها و غیرخودی ها خواهند ساخت.

در ایدئولوژی اسلامی و در همه انواع اسلام ناب محمدی از جمله اسلام مجاهدین خلق، شکنجه تحت عنوان تعزیر توجیه شده، قتل مخالفان و معترضان و دگراندیشان تحت عناوین مفسد فی الارض، محارب، مرتد و ملحد و باغی و دیگر اصطلاحات اسلامی امری شرعی و واجب بوده، ترور مخالفان بنا به توصیه های قرآنی نصر بالرعب و ارهاب، شرعی و پذیرفته شده است.

ما ایرانیان را شاید بشود با هر مقوله و مرام و مکتب و موضوعی هنوز فریب داد، اما یقین بدانید که بوی گند و عفن اسلام و اسلام فروش را از صد فرسخی تشخیص می دهیم. حتا اگر اسلام را با فلسفه بافی های صدمن یک غاز نواندیشان دینی و روشنفکران دینی تربیت شده در دانشگاه های استعماری رفو و رتوش کرده و ماله کشیده باشند و اسلام فروشان را با کراوات و عطر و ادکلن فرانسوی بزک و دوزک کرده باشند.

سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت اگر هنوز به عمق نفرت ملت ایران از عریده های اسلام اسلام پی نبرده است که مایه تأسف است و ما را با این تشکیلات کاری نیست. اما اگر مجاهدین ایدئولوژی اسلامی و تروریستی خود را منحل کنند و پرچم اسلام را زمین بگذارند، آنوقت اگر حرفی برایشان باقی مانده باشد ما آماده شنیدن هستیم.

siamakmehr@yahoo.com

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi/>